



انترناسیونال

۱۸۱

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۱ اسفند ۱۳۸۵، ۲ مارس ۲۰۰۷

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سرمدبیر: محسن ابراهیمی



خلیل کیوان

مقابله با حمله نظامی میگویند. سیمون هیرس، ژورنالیست مشهوری که معمولاً اطلاعات مربوط به چنین وقایعی را برملا میکند و بیشتر اطلاعات زندان ابوغریب را برملا کرد و بیشتر از آن نیز خبر

صفحه ۲

نه جمهوری ایران نرمشی که دال بر توقف غنی سازی ارنیوم باشد، از خود نشان داده است. تخاصم روزبروز حادثر میشود. دو طرف ماجرا رجز میخوانند، دیپلماسی فعالی را دنبال میکنند، از مذاکره و راه حل سیاسی دم میزنند در عین حال از باز بودن گزینش نظامی و

خطر جنگ! جمهوری اسلامی را باید سرنگون کرد

روزی نیست که اخبار تازه ای در مورد کشمکش آمریکا و جمهوری اسلامی ایران به صدر اخبار راه نیابد. نه آمریکا از سیاست اعلان شده اش مبینی بر خواست توقف پروژه اتمی ایران کوتاه آمده است و



کارگران در کرمانشاه خواهان ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد شدند صفحه ۵
مینا احدی، آرزو توکر و میکائیل سالمون در کنفرانس مطبوعاتی برلین صفحه ۴

در تجمع معلمان
در مقابل مجلس شورای اسلامی
روز شنبه ۱۲ اسفند شرکت کنید

صفحه ۵

"مدرنیزه کردن اسلام غیر ممکن است"
مصاحبه اشپیگل با مینا احدی

صفحه ۳

در صفحات دیگر

- ۱۲ در حاشیه رویدادها ناصر اصغری
- ۶ ما میتوانیم نجات بدهیم کیوان جاوید
- ۵ اعتصابات کارگری اطلاعیه حزب
- ۷ گزارشی از اعتصاب معلمان سهراب محبی
- ۱۱ اعتصاب در پالایشگاه آبادان مسعود رفیعی
- حزبیت کمونیستی و انحلال طلبی راست
- ۱۲ سمینار حمید نقوایی در پالتاک
- ۱۲ انتقال تلویزیون حزب از تل استار به هات برد

پلاتفرم تصرف قدرت سیاسی
و بحث حزب رهبر - سازمانده

حمید تقوایی

صفحه ۸

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

خطر جنگ ...

حمله به عراق را منتشر کرده بود، از طرح حمله نظامی خبر میدهند. مردم در سراسر جهان با نگرانی اوضاع را دنبال میکنند. آیا این تخاصم بجنگ کشیده خواهد شد؟ این سنوالی است که ذهن بسیاری را بخود مشغول کرده است. برای پاسخ به این مساله باید دید کل این کشمکش بر سر چیست.

اسلام سیاسی با دولت ها، احزاب، سازمانها، گروهها و سلولهای گسترده یک نیروی قدرتمند و یک مانع جدی بر سر سیاست نظم نوینی آمریکا است. پس از یازده سپتامبر سیاست آمریکا رویارویی مستقیم و از میدان بدر کردن بخشهای تندروتر آن و یا مطیع ساختن آن بوده است. این سیاست آمریکا عملاً شکست خورده است و در عوض اسلام سیاسی سنگرهای تازه ای در مقابل آمریکا بدست آورده است. عراق به یک سنگر مهم اسلام سیاسی با میدان مانور گسترده برای جمهوری اسلامی بدل شده است. با روی کار آمدن حماس در فلسطین و سپس پیروزی حزب اله در جنگ لبنان، اسلام سیاسی در یک موقعیت طلایی در مقابل آمریکا قرار گرفته است. موقعیت جمهوری اسلامی در خاورمیانه در مقابل آمریکا مستحکم تر شده است. اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی که در مقابل نیروی اعتراضی مردم ایران بسیار ضعیف شده است در خارج از مرزهای خود و در میان جنبش اسلام سیاسی در خاورمیانه از موقعیت تعیین کننده ای برخوردار شده است. جمهوری اسلامی ایران اکنون یک قدرت منطقیه ای است و در سیاست خاورمیانه و سهم خواهی از قدرت یک معضل جدی بر سر راه سیاست های نظم نوینی آمریکاست.

جمهوری اسلامی ایران در تلاش برای سیادت بر کل نیروی اسلام سیاسی در تقابل با آمریکا و سهم خواهی از قدرت در خاورمیانه است. در این راه تا حد زیادی هم موفق شده است. منفورترین شخصیت های سیاسی جمهوری اسلامی ایران بواسطه حمایت از نیروهائی چون حماس و حزب اله لبنان و رجزخوانی های تند ضد آمریکائی ضد اسرائیلی شان، نزد مردم بسیاری در

خواهیم بود. نظم نوین جهانی بر سر مساله اتمی ایران حل و فصل میشود.

بنابراین، آمریکا به یک سازش و قبول جمهوری اسلامی اتمی تن نخواهد داد. عقب نشینی از پروژه اتمی برای جمهوری اسلامی نیز به همینجا ختم نخواهد شد. دست کشیدن از این پروژه به معنی شکست سیاسی در مقابل آمریکا، کاهش چشمگیر رجزخوانیهای ضد آمریکائی اسرائیلی و تضعیف موقعیت جمهوری اسلامی در کل جنبش اسلام سیاسی خواهد بود. در صحنه داخلی نیز این به معنی ضعف رژیم نزد مردم ترجمه خواهد شد و جنبش سرنگونی موقعیت بهتری برای تعرض به رژیم خواهد یافت.

با این وصف امکان بروز جنگ بسیار بالا است اما هنوز قطعی نیست. برای جمهوری اسلامی ایران مساله هنوز باز است. جناح هائی از جمهوری اسلامی آمادگی سازش و عقب نشینی دارند. روشن است که عقب نشینی جمهوری اسلامی نیز بدون تکان های داخلی و تغییر توازن داخلی جناح ها نیز ممکن نخواهد بود. با حادتر شدن کشمکش آمریکا و ایران تندتر شدن نزاع جناح ها محتوم خواهد بود و این بنوبه خود به تغییر توازن قوای جناح ها و احتمال چرخش در سیاست رژیم منجر خواهد شد. این دریچه ای از بالاست که امکان توقف جنگ و باز شدن امکان سازش با آمریکا را ممکن میکند. سازشی که نه فقط عواقب آن تضعیف موقعیت هژمونیک جمهوری اسلامی بر جنبش های اسلامی در خاورمیانه خواهد بود بلکه بر رابطه مردم با جمهوری اسلامی نیز تاثیر جدی خواهد داشت. در پی چنین سازشی یک جمهوری اسلامی ضعیف تر با صفوف در هم ریخته تر بجا خواهد ماند. برای مردمی که در کمین آن نشسته اند این فرصتی برای وارد کردن ضربه کاری به آن خواهد بود.

به یک معنی نقطه سازشی در این نزاع وجود ندارد. یک طرف باید شکست بخورد. برای آمریکا این انتخاب ناممکن است. برای جمهوری اسلامی نیز هر عقب نشینی و سازش مقدمه عقب نشینی و شکست های بیشتر و از دست دادن موقعیت خود در جنبش

اسلام سیاسی است. هر عقب نشینی به معنی تضعیف در مقابل مردمی که برای سرنگونی در کمین اش نشسته اند، میباشد. نقطه سازش و تعادل پایدار و بقا دراز مدت برای جمهوری اسلامی متصور نیست. اما در صورتی که عقب نشینی از سوی جمهوری اسلامی صورت نگیرد، جنگ یک واقعیت بدل میشود.

آمریکا گام بگام از موقعیت سیاسی دیپلماتیک برتری در این کشمکش برخوردار شده است. بزرگترین قدرت های اروپائی شامل انگلستان، فرانسه و آلمان با آمریکا همگام شده اند. چین و روسیه بیش از پیش از ایران فاصله گرفته اند و با آمریکا همراهی میکنند. جمهوری اسلامی یک گام دیگر بسمت انزوا و سیاسی کشیده شده است. آمریکا راه تحریم های بیشتر را هموار کرده است. در هفته های آینده تحریم ها و فشار سیاسی بیشتری از جانب آمریکا بکار گرفته خواهد شد. نشست سه شنبه گذشته شش کشور عضو شورای دائمی سازمان ملل نیز راه تحریم های بیشتر و اتخاذ سیاست های تندتر را هموار کرد. با روشن شدن این مساله که جمهوری اسلامی قصد عقب نشینی و دست را ندارد، جناح مدافع جنگ در هیئت حاکمه آمریکا دست بالاتری پیدا کرده است. اوضاع بوخامت بیشتر و بسمت وقوع جنگ تمایل پیدا کرده است.

یک نگرانی جدی مردم در صورت وقوع جنگ احتمال سناریو سیاه است. مردم ایران اوضاع عراق را مشاهده کرده اند، از آن آموخته اند و خواهان تکرار آن در ایران نیستند. ایران در تفاوت با عراق احزاب سیاسی برای پر کردن خلا سیاسی پس از سرنگونی جمهوری اسلامی وجود دارد و این مانعی جدی برای وقوع سناریو سیاه است. از نظر نظامی نیز اشغال ایران با چهار برابر وسعت عراق و جمعیتی بالغ بر هفتاد میلیون نفر نیروی نظامی بمراتب بزرگتری از آنچه که آمریکا در عراق لازم داشت نیاز دارد. این از نظر نظامی ناممکن است. همه اینها در نقشه و اهداف جنگ آمریکا و پیامدهای جنگ تاثیرات جدی خواهد داشت. حملات هوائی و در هم کوبیدن تاسیسات

اتمی به همراه کوبیدن وسیع مراکز نظامی و حتی اشغال پاره ای بخش های جنوبی و غربی کشور و تشکیل دولت دست نشانده میتواند شکل دخالت آمریکا باشد. در ایران، در تفاوت با عراق و افغانستان ما شاهد جنبش های اعتراضی گسترده ای هستیم. اگر چه هنوز این جنبش های اعتراضی فاقد سازمان های سراسری است اما از ظرفیت بسیار زیادی برای متشکل شدن برخوردارند. چپ در جامعه قوی است و در چنین وضعیتی با توجه به اینکه آلترناتیوهای راست شامل رژیم چنج، رفاندم، اصلاحات، فدرالیسم و دخالت نظامی مقبولیت ندارد سرعت میتواند نیروی عظیمی را متشکل و بحرکت در بیاورد و نیروهای سناریو سیاهی را از میدان بر کند.

مردم ایران نتیجه دخالت نظامی آمریکا و سناریو سیاه در عراق را دیده اند و بنابراین توهمی به مطلوب بودن جنگ ندارند. از این رو مردم ایران در صف اول جنبش ضد جنگ اند و راه خلاصی از این جنگ را در خلاص شدن از جمهوری اسلامی میبینند. در این کشمکش طرف سومی هم هست. مردم نظاره گر نیستند. با بالا گرفتن تب جنگ وضعیت فوق العاده دشواری برای مردم از نظر اقتصادی و معیشتی بروز خواهد کرد. نارضایتی بحد انفجار خواهد رسید. با توجه به فقر دامنگیر کنونی که ده ها میلیون نفر از مردم را در بر گرفته است، مردم مترصد وارد کردن ضربه نهائی به رژیم خواهند بود. با بروز شکاف در بالا و مشاهده ضعف های جمهوری اسلامی بر بستر نارضایتی عمومی ناشی از خطر جنگ، امکان به میدان آمدن وسیع مردم بسیار بالاست. جامعه ایران که به چپ چرخیده است و نشانه های آن بارها در اجتماعات مختلف با برافراشتن پرچم های آزادی برابری و سوسیالیسم یا بربریت و سرود انترناسیونال خود را نشان داده است در چنین اوضاعی بسرعت بسمت انتخاب های اساسی روی خواهد آورد. جمهوری سوسیالیستی و حزب سیاسی آن، حزب کمونیست کارگری ایران بسرعت یک انتخاب اجتماعی وسیع خواهد گردید.*

"مدرنیزه کردن اسلام غیر ممکن است" مصاحبه اشپیگل با مینا احدی

مقدمه اشپیگل: فعالین حقوق بشر به منظور کمک به زنانی که بر اثر ظلم و ستم دین اسلام و قوانینش از این مذهب روی برگردانده اند "شورای مرکزی کسانی که از مذهب روی برگردانده اند" را در آلمان تشکیل داده اند. بنیانگذار این شورا، مینا احدی در مورد این شورا و اهدافش با اشپیگل به صحبت نشست. مینا احدی که متولد ایران است، پس از تشکیل این شورا به مرگ تهدید شده و هم اکنون تحت حفاظت پلیس آلمان می باشد.

یک ایرانی فعال حقوق بشر در آلمان و موسس "شورای مرکزی کسانی که از مذهب روی برگردانده اند" به همراه ۴۰ تن از دیگر اعضای این شورا پس از تشکیل این شورا و پس از اعلام اینکه این شورا به کسانی که مایلند از مذهب خود روی برگردانند کمک خواهد کرد، به مرگ تهدید شده اند.

مینا احدی ۵۰ ساله و متولد ایران، اظهار میکند که این شورا را تشکیل داده تا دشواریها و مصائب روی گرداندن از مذهب به اعتقاد وی زن ستیز اسلام را به عیان نشان دهد. وی قصد دارد که این شورا را به وزنه ای در برابر سازمانهای اسلام سیاسی که به اعتقاد وی مهاجرین با افکار سکولار در آلمان را نمایندگی نمی کنند، تبدیل کند.

مینا احدی اخیراً تحت محافظت پلیس قرار گرفته است. در بسیاری از کشورها از جمله ایران،

عربستان سعودی، افغانستان، پاکستان و موریتانی، روگردانی از اسلام حکم مرگ دارد. در کشورهایی که روی گردانی از اسلام مجازات قضایی ندارد ترک دین محرومیت از روابط دوستی، خانوادگی و اجتماعی آنها. در اجتماع مسلمانان در اروپا نیز روی گردانی از اسلام معضلات و مشکلات عدیده ای را به همراه خواهد داشت.

مینا احدی قصد دارد تا این شورا را به یک سازمان کمک به زنانی که تحت ستم قوانین اسلامی هستند تبدیل کرده و راه برون رفت و نجات از این ستم را به آنان نشان دهد. این شورا روز چهارشنبه کنفرانس مطبوعاتی بمنظور طرح رتوس اهداف خود برگزار خواهد کرد.

اشپیگل: شما به همراه ۲۹ تن از مهاجرین از کشورهای اسلام زده اعلام کرده اید که از اسلام روی گردانده اید. کمپین شما شبیه کمپین زنانی است که در سال ۱۹۷۰ در سطح عمومی اعلام کردند که سقط جنین کرده اند. اهداف شما چیست؟

مینا احدی: من ۳۰ سال است که آته نیستم. من منتقد اسلام و اسلام سیاسی و همچنین منتقد روشهایی که دولت آلمان در برخورد با اسلام در پیش گرفته نیز هستم. بسیاری از سازمانهای اسلامی مثل "شورای مرکزی مسلمانان در آلمان" (ZMD) یا Milli Gorus در سیاست و در زندگی بسیاری از مردم دخالت میکنند. این سازمانها به کنفرانسی در مورد اسلام که توسط دولت در برلین ترتیب داده شده بود دعوت شده بودند و این در حالی است که اهداف این سازمانها زن ستیزی و دشمنی با زندگی آزاد مردم علی العموم است.

اشپیگل: چرا؟

مینا احدی: به این دلیل که اینها در صددند تا زنان را مجبور به پوشیدن حجاب کنند. اینها در صدد ترویج و ایجاد شرایطی هستند که تحت آن شرایط بعنوان مثال دختران حق داشتن دوست پسر و یا رفتن به دیسکو ندارند و همچنین تحت این شرایط همجنسگرایی مخالف قوانین "شرع" اسلام محسوب شود. من بخوبی اسلام و قوانینش را لمس کرده و میشناسم و برای من اسلام مترادف است با رنج و مرگ.

همچنین فعالین سازمانهای کمونیستی در کشور خود هستند.

مینا احدی: بله، بسیاری از اعضای ما فعالین گروههای چپ هستند. در روزهای اخیر ما بیش از ۱۰۰ فرم تقاضای عضویت دریافت کرده ایم. ما در صدد راه اندازی یک جنبش جدید در آلمان و دیگر کشورهای اروپایی هستیم و امیدواریم که بزودی با ۱۰ هزار نماینده، مردم هر چه بیشتری را نمایندگی کنیم.

اشپیگل: فکر نمی کنید که کمپین شما راه مبارزه را سخت تر خواهد کرد؟

مینا احدی: من فکر نمی کنم که مدرنیزه کردن اسلام ممکن باشد. ما میخواهیم که در مقابل سازمانهای اسلامی باشیم. خود این حقیقت که ما امروز این کمپین را تحت محافظت پلیس باید به پیش ببریم خود حقانیت این کمپین و لزوم پیشقدم بودن ما در این کمپین را به اثبات میرساند.*

توضیح انترناسیونال: این مصاحبه اولین بار در اشپیگل به زبان آلمانی چاپ شده است. این متن از ترجمه انگلیسی به فارسی ترجمه شده است. در آخرین لحظات صفحه بندی انترناسیونال، سعید پرتو، کلار حزب ترجمه فارسی این متن را در اختیار انترناسیونال قرار داد.



سهیلا شریفی

فریاد می زنیم. نه به حجاب یعنی نه به آپارتاید جنسی، یعنی نه به جمهوری ضد زن اسلامی، یعنی نه به تحقیر و فرودستی و بی حقوقی زن، یعنی نه به جنبش سیاه اسلام سیاسی و رگرفتن حجاب یعنی نه به همه اینها.

امسال برای هشت مارس باید جنبش حجاب برگیران راه انداخت.

در هشت مارس امسال موهایمان را با روبانهای قرمز تزئین کنیم و بدون روسری به خیابان برویم!

خودمان جلب کنیم باید حرکتی تصویری و سمبلیک و پرسر و صدا انجام دهیم. علاوه بر نوشتن و برافراشتن شعارهای رادیکال و پیشرو، بهترین کار این است که روسریهایمان را برداریم و خیابانها را با روبانها و پلاکاردهای سرخ رنگی کنیم. برداشتن دسته جمعی و همزمان روسریها می تواند بهترین پیام زنان برابری طلب باشد، با اینکار کل خواسته های جنبش آزادی زن را یکجا و با صدای بلند

مهم اعتراضات توده ای، از جمله اعتراضات دانشجویی و غیره تبدیل شده است. از طرف دیگر امسال ایران بطور ویژه تری در زیر نورافکنهای میدیای دنیا قرار گرفته است و هر اتفاقی که در ایران می افتد می تواند توجه فراوانی را در سطح دنیا بخود جلب کند.

هشت مارس امسال را باید وسیعتر و با شکوه تر و پرسر و صدا تر از همیشه برگزار کرد. اگر می خواهیم دیده شویم و توجه دنیا را به

علیرغم تلاشش برای سرکوب روزمره اعتراضات مردم و علیرغم تا دندان مسلح بودنش، در مقابله با موج اعتراضی مردم عاجز مانده است و قادر به سرکوب آن نیست. خواست آزادی زن امروز در جامعه ایران بسیار فراتر از مطالبات محدود صنفی یک قشر و یا گروه خاص رفته است. آزادی زن بیش از پیش بعنوان معیار آزادی جامعه پذیرفته شده و شعار آزادی و برابری به یکی از شعارهای

هشت مارس امسال می تواند و باید ویژه تر از هر سالی برگزار شود. جنبش آزادی زن از هشت مارس پنجاه و هفت تاکنون راه درازی را پیموده است. امروز ما با یک جنبش عظیم برابری طلب در ایران سر و کار داریم که به مدت بیست و هشت سال با هارترین و ضد بشری ترین رژیمهای دنیا جنگیده است و این رژیم را قدم به قدم به عقب رانده است. رژیم جمهوری اسلامی علیرغم هیاهوی تبلیغاتی اش،

حقوق زنان، حجاب و قوانین اسلامی و مذهبی سیناری به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

سخنرانا:

سونجا اگریکس: رئیس اتحادیه جهانی اومانیستها
ان هاریسون: محقق، دفتر بین المللی سازمان عفو بین الملل -
بخش خاورمیانه و شمال آفریقا

مریم نمازی: مسئول کمیته روابط بین المللی حزب کمونیست
کارگری ایران، برنده جایزه سکولار سال ۲۰۰۵، تهیه کننده برنامه تلویزیون
انترناسیوال

تسلیمه نسرین: دکتر، نویسنده سکولار، طرفدار حقوق زنان و فعال
حقوق بشر

فیلم کوتاهی با عنوان "تحت نام ناموس" از رضا مرادی برای اولین بار در
این روز نمایش داده میشود

پنجشنبه، ۸ مارس ۲۰۰۷ - از ساعت ۶ الی ۱۰ شب
University of London Union

اسپانسر کنندگان سینار:

کمپین دفاع از حقوق زنان در ایران - بریتانیا، جامعه سراسری
سکولاریستها، انجمن همجنسگرایان اومانیست

تلفن و ایمیل اطلاعات:
07719111738

07950924434

sohailasharifi@yahoo.co.uk
shiva_mahbobi@yahoo.com

ورود برای عموم رایگان است
این سینار به زبان انگلیسی میباشد

کنفرانس مطبوعاتی برلین با شرکت حدود ۱۰۰ خبرنگار برگزار شد

آلمان از این کنفرانس مطبوعاتی
گزارش داده اند. و به معرفی این
سازمان و فعالین آن پرداخته اند. از
جمله رسانه هایی که امروز گزارش
داده اند: تلویزیون، Arte WDR و
سایت های اشپیکل اونلاین، مجله
شترن و تاگس شپینگل و خبرنگاری

آرزو توکر معاون و میکائیل شمیت
سالمون همکار این سازمان در
مقابل خبرنگارهای جهانی به
توضیح اهداف این سازمان
پرداختند. عکاسان و خبرنگاران
مراکز مهم خبری جهان امروز از این
کنفرانس مطبوعاتی خبر، گزارش،

با فراخوان سازمان "شورای مرکزی
کسانی که از مذهب روی برگردانده
اند" امروز در شهر برلین محل
ساختمان کنفرانس مطبوعاتی
پارلمان آلمان حدود ۱۰۰ خبرنگار از
خبرگزاریها و رسانه های خبری جهان
حضور یافتند. لازم به توضیح است



از راست: مینا احدی، میکائیل شمیت سالمون و آرزو توکر

HPD و DPA... بوده اند.
رسانه های حاضر در این
کنفرانس در جریان این کنفرانس
مطبوعاتی با بیش از ۱۰ نفر از
اعضا و فعالین این سازمان
مصاحبه کردند.

مصاحبه و فیلم کردند. از میان
ژورنالیستهایی که با نشان دادن
کارت خبرنگاری وارد سالن شدند
میتوان CNN, Reuters, dpa,
AFP, ARD, ZDF, Arte, Deutscher
Funk, Deutschen Welle, - WDR,
FAZ - epd نام برد.

که ۱۱۰ خبرنگار از سراسر جهان
قبلا برای شرکت در این کنفرانس
اسم نویسی کرده بودند. در فاصله دو
روز گذشته تعدادی از شبکه های
خبری با بخش خبر و گزارش از این
سازمان و مصاحبه با مسئولین آن
فضای جامعه را کاملا حساس کرده
بودند.

مینا احدی
۲۸ فوریه ۲۰۰۷
minaahadi@aol.com

بعد از این کنفرانس مطبوعاتی
تا کنون چندین فرستنده رادیویی،
شبکه تلویزیونی و سایت های خبری

مینا احدی رئیس این سازمان،

سایت حزب: www.wpiran.org
سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.anternasional.com
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

یک دنیای بهتر

برنامه حزب کمونیست کارگری را بخوانید
به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید

بی حجاب نشریه کمپین علیه حجاب

به سردبیری سهیلا شریفی و همکاری شهلا خباززاده منتشر شد
نشریه بی حجاب را بخوانید و در سطح وسیع توزیع کنید

نابود باد حجاب، سمبل بردگی و اسارت زنان
زنده باد آزادی و برابری زنان

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046- 8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب

در تجمع معلمان در مقابل مجلس شورای اسلامی روز شنبه ۱۲ اسفند شرکت کنید

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه خواهان حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومان شدند

غیره را داشته باشند. دستمزدهای فعلی که آنهم در بسیاری اوقات توسط کارفرماها بالا کشیده میشود، حتی کفاف یک هفته زندگی یک خانواده را نمیدهد.

طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه با نصب پارچه نوشته هایی در سطح شهر خواهان دستمزد حداقل ۶۰۰

تومان هستند. خواست حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومان که پرچم آن توسط کارگران برق و فلزکار کرمانشاه بلند شده است، میتواند به خواست سراسری معلمان و همه کارگران تبدیل شود.

با قدرت به میدان بیائیم، در تجمع روز شنبه شرکت کنیم و جمهوری اسلامی را که از هر سو در بحران قرار گرفته است وادار کنیم به مطالبات عادلانه و بحقمان گردن نهد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱ مارس ۲۰۰۷، ۱۰ اسفند ۱۳۸۵

و تصمیمات قاطع تر برای تحقق مطالبات بحق آنان بازر خواهد کرد. حضور گسترده معلمان و خانواده های آنها راه را بر سرکوب و ارباب توسط حکومت خواهد بست و حمایت وسیع مردم را به خود جلب خواهد کرد.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران و دانشجویان و مردم مبارز، بویژه مردم تهران میخواهد دوش به دوش معلمان در مبارزات و تجمعات آنها شرکت کنند و به هر شکل میتوانند از آنها حمایت

معلمان قرار است در ادامه حرکات اعتراضی خود روز شنبه ۱۲ اسفند ساعت یک بعدازظهر در میدان بهارستان در مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع اعتراضی بزنند.

حزب کمونیست کارگری از همه معلمان و خانواده های آنها میخواهد در این تجمع شرکت کنند و قدرت و اتحاد خود را به نمایش بگذارند. هرچه حضور معلمان در این تجمعات گسترده تر باشد، راه را بر عمیق و تداوم و گسترش مبارزه آنان

معلمان همدان کلاسها را تعطیل کردند و دست به تجمع اعتراضی زدند

سراسر کشور را فرامیخواند از خواست حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومان توسط کارگران برق و فلزکار کرمانشاه حمایت کنند و این خواست را به خواست سراسری خود تبدیل کنند. حزب از کارگران، دانشجویان و همه مردم آزادیخواه میخواهد از اعتصابات و اعتراضات معلمان حمایت کنند و فعلا نه در تجمعات آنها شرکت کنند.

زنده باد همبستگی مبارزاتی
پخشهای مختلف جامعه
حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اسفند ۱۳۸۵، ۲۸ فوریه ۲۰۰۷

مسکن، بهداشت رایگان، آزادی تشکل، و دهها مطالبه دیگر خود هستند که سالها بی پاسخ مانده است.

بدنبال اعتصاب قدرتمند معلمان در روزهای ۳۰ بهمن و اول اسفند معلمان اعلام کردند که چنانچه به خواستهایشان رسیدگی نشود روز شنبه ۱۲ اسفند در مقابل مجلس دست به تجمع خواهند زد و اعتصاب سراسری خود را در سطحی گسترده تر، از روز ۱۵ اسفند آغاز خواهند کرد.

حزب کمونیست کارگری معلمان

بدنبال اعتصاب سراسری معلمان و تجمعات اعتراضی آنها در روزهای گذشته، معلمان زن و مرد در همدان نیز روز ۸ اسفند (۲۷ فوریه) کلاسهای درس را تعطیل کرده و دست به یک تجمع گسترده زدند. در این تجمع تعدادی از معلمان سخنرانی کردند و بر خواستهای بحق خود تاکید کردند.

حزب کمونیست کارگری از خواستهای عادلانه معلمان همدان و معلمان سراسر کشور قاطعانه حمایت میکند. معلمان خواهان افزایش چشمگیر دستمزدها، تامین



حداقل دستمزد و بیمه بیکاری نباید از ۶۰۰ هزار تومان در ماه کمتر باشد.

حزب کمونیست کارگری، از خواست کارگران برق و فلزکار کرمانشاه قویا حمایت میکند و ابتکار آنها را ارج مینهد. حزب کارگران مراکز مختلف، معلمان و پرستاران و کارمندان زحمتکش در سراسر کشور را به گسترش اعتراض برای افزایش حقوق تا چندبرابر فعلی فرامیخواند. پرچم ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد توسط کارگران کرمانشاه باید توسط همه کارگران و معلمان و بازنشستگان و کارمندان زحمتکش برافراشته شود. گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگران و معلمان و سایر حقوق بگیران زحمتکش جامعه برای حداقل دستمزد ۶۰۰ هزار تومان برای سال ۸۶، تنها ابزاری است که حکومت اسلامی را وادار میکند به بخشی از خواست مردم پاسخ دهد. با تمام قوا پرچم افزایش چندبرابر دستمزدها را بلند کنیم و در اعتصابات و تجمعات خود بر آن پافشاری کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران

۹ اسفند ۱۳۸۵، ۲۸ فوریه ۲۰۰۷

هزار تومان برای سال ۸۶ شد. پلاکاردهای ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد برای سال ۸۶ در میدانهای شهر از جمله میدان حسین، میدان فرودگاه و میدان شهرک پاریس نصب شده است. خواست افزایش چشمگیر دستمزدها خواست همه کارگران و معلمان و بخش وسیعی از جامعه است که زیر بار فشار اقتصادی کمرشان خرد شده است. دو سال قبل هزاران کارگر در شهرها و مراکز مختلف کارگری با امضای طوماری با خواست حداقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان خواهان افزایش دستمزدی چند برابر دستمزدهای ناچیز خود شدند. کارگران شرکت واحد سال قبل خواست ۵۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد را مطرح کردند و امروز کارگران برق و فلزکار کرمانشاه پرچم ۶۰۰ هزار تومان حداقل دستمزد برای سال ۸۶ را بلند کرده اند.

این حق کارگران و معلمان و پرستاران، بازنشستگان و کارمندان زحمتکش است که حقوقشان چندین برابر افزایش یابد تا امکان تامین مسکن، پوشاک و تغذیه و هزینه های تحصیلی و پزشکی و تفریحی و

بعضی شرایط مفید و موثر باشد، اما در موقعیت کنونی رژیم اسلامی و جنبش برابری طلبانه باید تعرض کرد. یک هشت مارس سرخ و رزمنده و پر قدرت و بدون حجاب می تواند وسیعا در تمام دنیا صدا کرده و همبستگی بین المللی وسیعی برای جنبش برابری طلب در ایران بوجود بیاورد. مبارزه با حجاب اسلامی و از سر برداشتن حجابها و روسریها و چادرها می تواند شکل تصویری و موثری از رساندن پیام ما به دنیا باشد و پایه های پوسیده حکومت اسلامی و جنبش اسلام سیاسی را به لرزه در بیاورد. *

از صفحه ۳ در ۸ مارس امسال ...

کارهای لازم را انجام دهند و بنا به توازن قوای محل تلاش کنند حضور و دخالت نیروهای سرکوب رژیم در محله را به حداقل برسانند.

پلاکاردهای سرخ رنگ با شعارهای رادیکال و برابری طلبانه در خیابانها برای جلب توجه عابریین و رسانه ها خیلی لازم است. اگر می خواهیم صدای اعتراضمان به جانی برسد و تغییری بوجود بیاوریم باید، تعداد بیشتری را به خیابان بیاوریم و با صدای بلندتری فریاد بزنیم. امضا جمع کردن و خواهان تغییر قوانین تبعض آمیز شدن البته می تواند در

باید فضا را از حالا هشت مارس می توان با همسایه ها و همکاران صحبت کرد و از آنها دعوت کرد که با یک گل قرمز لای موهایشان یا یک دستمال قرمز دور گردنشان در راهپیمایی هشت مارس شرکت کنند. می توان از حالا قرار و مدارهای لازم را گذاشت و سازماندهیهای لازم را انجام داد. بهتر است تیمهایی اعم از دختر و پسر سازمان داد که از کسانی که بدون روسری به خیابان می آیند حمایت و دفاع کنند، جوانان هر محل می توانند بین خودشان تقسیم

ما می توانیم نجات بدهیم!



کیوان جاوید

سعادت به عرش اعلا صعود کرده اند.

همه اینها البته تمام واقعیت را منعکس نمی کند. حکومتی که از راه شکنجه و اعدام و زندان تا امروز دوام آورده است، دشمنی دارد که ذره ذره جانش را می گیرد، عقبش می راند و از زندگی و حرمت انسانی اش دفاع می کند. به سرگذشت حجاب اسلامی در آن مملکت اسلامزده نگاه کنید. به توقع مردم برای حق برخوردار بودن از یک زندگی مرفه نگاه کنید. اعتراضات مداوم و بی وقفه را ببینید که هر روز از گوشه کنار آن جامعه می جوشد و پشت سران حکومت اسلامی را می لرزاند. به بیزاری مردم و خصوصا جوانان از فرهنگ منحط اسلامی نگاه کنید. وقتی جوادی آملی می گوید جوانان نمازخوان به دانشگاه می روند و بی نماز برمی گردند، هر چند نماز خوان بودن جوانان پیش از ورود به دانشگاه نیز از اختراعات و حقه بازیهای آخوندی می تواند باشد، اما اعتراف است به عبور از مذهب و اراجیف اسلامی. اما یک فاکتور مهم و حیاتی در مبارزه

چیزی که من و ما را از دیگران متمایز می کند فقط حرف های بدیع و زیبا و منحصر بفردمان نیست، عمل مشترک و تغییر زندگی بسیاری نیز هست، حزی که هر کجا پا می گذارد امید میبرد و راه برای زندگی شایسته تری باز می کند.

دیروز در خبرها خواندم دست جوانی را در کرمانشاه در ملاء عام به دلیل دزدی قطع کردند تا "درس عبرتی" برای دیگران باشد. چند روز قبلتر فرار جزایری را از دست مامور محافظش شنیدم. کسی که در مدت کوتاهی چند صد میلیون دلار از راه رشوه و باج دادن به نمایندگان مجلس و روسای حکومت اسلامی به چنگ آورده است و حالا با کمک دوستان دیروزش با پولهای باد آورده اش راهی "دیپار غربت" شده است تا در "غم" وطن اسلامی اش بنوشد و عشق کند.

بیست و هشت سال جنایت و تجاوز و سرکوب، لگدکوب کردن حرمت و زندگی زنان. بیست و هشت سال فقر و گرسنگی و غم عظیم یاد عزیزان به دار آویخته شده. بیست و هشت سال حکومت اسلامی سرمایه. این فقط یک روی سکه واقعیات آن جامعه هفتاد میلیونی است. روی دیگر سکه، اما، بهشت سرمایه داران اسلامی و نماز خوان و غیر اسلامی است. آنهایی که روی دوش همین مردم از نردبان ترقی و

همین حالا که می نویسم چند نوزاد در ایران بدنیا آمدند؟ یا کودکانی که از آینده چیزی نمی دانند و به این اعتبار ترس را نمی شناسند، شادی می کنند و بزرگترها را از وجودشان به امید و تلاش مضاعف وا می دارند. همین حالا چه درصدی از جوانان دیروزموهای خاکستری شان را می بینند و به گذشته ای که امید به یک زندگی بهتر در آن موج می زد می اندیشند؟ آنهایی که پا در مرز پیری گذاشته اند از چه دریچه ای به دنیا نگاه می کنند؟ بیست سال پیش مردم عراق چه آرزوهایی داشتند و امروز در کجا ایستاده اند؟ اینها و صدها پرسش دیگر وادارم می کند بنویسم، متشکل باشم و از پیروزی ها نیرو بگیرم و امیدوار باشم که تلاشمان می تواند ثمر بدهد و به بار بنشیند. وقتی چهره های در هم پیچیده کارگرانی که تا آخرین ذره رمق جانشان دارند کار می کنند و باز هم نمی توانند چشم در چشم فرزندان و خانواده خود بلوزند و به خود افتخار کنند یا شرممنده آنها نباشند وادارم می کند کاری کنم تا ورق برگردد. انسان خوشبخت و رها از این زندگی نکبت بار رویا نیست. تلاش برای تغییر، آرزوی جوانان بی عار و بیکار نیست. می شود جور دیگری زندگی کرد. آیا راهی هست؟ ما چه کار می توانیم بکنیم که شادی و خوشی معنی زندگی باشد؟

بگذارند. می خواهند کاری کنند که مردم حتی فرصت دفن عزیزانشان را نداشته باشند. می خواهند چند ده میلیون را آورده کنند. این خوابی است که دو سوی تروریسم موجود در دنیا - تروریسم دولتی در غرب به سرکردگی آمریکا و تروریسم اسلامی به سرکردگی رژیم اسلامی در ایران - برای مردم ایران می بینند.

ما کمونیستها، ما حزب کمونیست کارگری با قدرت مردم تنها راه نجات ایم. باید رژیم اسلامی را سرنگون کرد و به دنیا نشان داد که ما سلاح اتمی و کشتار جمعی نمی خواهیم. باید پرچم یک جامعه خوشبخت و آزاد و برابر را در مقابل مردم دنیا گرفت و از شروع یک کشتار و تراژدی عظیم انسانی جلوگیری کرد. ما می توانیم. این کار ماست. مردم نشان دادند که دو سوی این جنایت را می شناسند.

اما انگار جمهوری اسلامی کم بود که امروز سایه شوم و ویرانگر جنگ هم دارد به روی زندگی مردم سایه می افکند. در حالی که رژیم اسلامی از هر سو در محاصره مبارزه مردم قرار گرفته است. می خواهند ناپالم و موشکهای هدایت شونده و هوشمند را به وسط خانه های ما شلیک کنند. می خواهند بیمارستان ها را به موشک ببینند، مدارس را ویران و خاکستر کنند. می خواهند از کشته پشته بسازند و آنگاه با افتخار در سی ان ان و بی بی سی و دیگر رسانه ها به نمایش

مردم را تا اینجا کم داریم و اگر وجود آن نبود بی شک صحنه سیاست ایران، امروز شکل و شمایل دیگری داشت. وقتی به ایران و جدال زندگی و تباهی در آن کشور خیره شویم به یک حزب و فقط یک حزب می رسیم که پرچم همه زندگی را با تمامی زیبایی اش در دست دارد.

حزبی برای آزادی و رفاه و رهائی مردم. ضد همه خرافات ملی و مذهبی و طرفدار تام و تمام نابودی سرمایه. حزبی که مردم را برای انقلاب به وضع موجود فرامی خواند، متحد می کند و در جدالی سخت و سهمگین راه باز می کند. حزب علیه اعدام و نجات جان نازنین، حزب دفاع از مبارزه کارگران برای بالا بردن دستمزد و حزب از بیخ و بن بر کنندن آپارتاید جنسی و بالاخره حزب خلاصی و نجات کودکان از این زندگی نکبت بار.

حزب کمونیست کارگری اما انگار جمهوری اسلامی کم بود که امروز سایه شوم و ویرانگر جنگ هم دارد به روی زندگی مردم سایه می افکند. در حالی که رژیم اسلامی از هر سو در محاصره مبارزه مردم قرار گرفته است. می خواهند ناپالم و موشکهای هدایت شونده و هوشمند را به وسط خانه های ما شلیک کنند. می خواهند بیمارستان ها را به موشک ببینند، مدارس را ویران و خاکستر کنند. می خواهند از کشته پشته بسازند و آنگاه با افتخار در سی ان ان و بی بی سی و دیگر رسانه ها به نمایش

در راهپیمایی زنان علیه حجاب شرکت کنید!

به مطبوعات و رسانه ها در کشور آلمان!

به مردم، به زنان و مردان آزاده و مخالف حجاب اسلامی!

اعدام بر زنان تحمیل میشود و در کشورهای اروپایی به زور تبلیغات و تهدید ترور و یا با کمک دولتهای غربی و با خزیدن زیر پرچم توراترانس با فرهنگهای دیگر و جامعه مولتی کولتی!

امروز در ایران و در بسیاری از کشورهای اسلام زده، زنان و مردان به میدان آمده و پرچم لغو حجاب و

حضور خواهند داشت. حجاب پرچم اسلام سیاسی است و جریانات، دولتها و باندهای اسلامی، در سه دهه اخیر کوشیده اند، این سمبل جنبش سیاه اسلامی و سمبل بی حقوقی و ستم بر زنان را به زور بر سر زنان کنند. حجاب در ایران و افغانستان و سودان و... به زور چاقو و زنجیر و اسلحه و زندان و

به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن، زنان و مردان آزادیخواه و معترض به حجاب اسلامی، در یک راهپیمایی از کشورهای فرانسه، هلند و آلمان بسوی بروکسل پایتخت بلژیک حرکت خواهند کرد. در این راهپیمایی نمایندگانی از فعالین جنبش برابری طلبانه زنان از سوئد نیز برای اعلام همبستگی، در آن

بسوی ساختمان اتحادیه اروپا در بروکسل شرکت کنید!

با ارسال نامه پشتیبانی از این حرکت پشتیبانی کنید. با دفاع از راهپیمایی زنان علیه حجاب کمک کنید جنبش جهانی علیه اسلام سیاسی و علیه سمبل آن حجاب اسلامی را گسترده تر و وسیعتر کنیم.

زنده یاد هشت مارس روز جهانی زن
زنده یاد جنبش جهانی علیه حجاب اسلامی
زنده یاد اساتید
مینا احدی

۲۲ فوریه ۲۰۰۷ - کلن آلمان
www.minaahadi.com
minaahadi@aol.com

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

اعتصاب معلمان

گزارشی از دو روز اعتصاب معلمان

سهراب محبی معلمی از تهران

بنا به تصمیمی که در تجمع ۱۵ بهمن گرفته شده بود، ما در روزهای دوشنبه ۳۰ بهمن و سه شنبه ۱ اسفند در اعتصاب بودیم. این اعتصاب وسیع بود. مناطق ۱۹، ۱۷، ۱۶، ۸، ۷، ۱۳، ۱۵، ۶، ۳، ۴، ۲، ۱ بیشترین اعتصابات بود. شهرستانهای اطراف تهران، کرج، ورامین نیز پاکدشت، اسلامشهر، رباط کریم نیز اعتصاب گسترده بود. در تجمع روز چهارشنبه ۲ اسفند بیش از ۳ هزار نفر بودیم، حدود ۵۰۰ نفر معلمان زن بودند. جمعیت طول خیابان مجاهدین اسلام را گرفته بود و بیشتر اجتماع کنندگان دبیران مدارس بودند. مامورین لباس شخصی در محل پر بود و اوضاع را تحت کنترل داشتند و مرتبا از معلمان فیلمبرداری میشد. در تجمع تعدادی از معلمان صحبت کردند. در مورد مشکلات معیشتی معلمان، سطح پایین حقوق ها و تحقیر شغلی که نسبت به معلمان انجام میشود سخن میگفتند. از جمله شعارها عبارت بود از وزیر بی کفایت استعفا استعفا ما تبعیض نمیخواهیم معلم دست فروش نتیجه تبعیض حقوق ما ریال است هزینه دلار است

کشوری توسط شورای نگهبان معترض بودند و خواستار استیضاح فرشییدی وزیر آموزش و پرورش بودند. فضای پر شوری بود. بعد از مدتی چنین اعتصابی و چنین تجمعی روحیه تازه ای به همه ما داده بود.

معلمان به اینکه محدث معاون وزیر آموزش و پرورش در تجمع روز ۱۵ بهمن به آنان توهین کرده بود معترض بودند و خواهان برکناری و عذر خواهی او بودند.

معلمان به اینکه مجلس به میان معلمان آمد ولی معلمان اجازه صحبت به او نمیدادند. و شعار میدادند. این تجمع تا ۵ بعد از ظهر ادامه داشت و در آخر معلمان قطعه نامه ای دادند در ۴ بند که در بند اول آن گفته شده بود که اگر اعتراض آنها بی نتیجه بماند، روز شنبه ۱۲ اسفند در مقابل مجلس تجمع خواهند کرد.

همانجا قرار و مدار برای شرکت معلمان از شهرستانها به نمایندگی در این تجمع گذاشته شد. معلمان تهران به معلمان که از شهرستانها آمده بودند میگفتند که آنها را در هزینه سفر و آمدن به تهران و شرکت در تجمعات کمک خواهند داد و بر همبستگی تاکید داشتند.

در بند دوم گفته شده بود که در تجمع بعدی تنها حاضر به گفتگو با احمدی نژاد و رئیس مجلس هستند و نه کس دیگری. معلمان حاضر نیستند هیچیک از نمایندگان مجلس را ملاقات کنند. بند سوم اولتیماتوم داده بود که اگر پاسخ روشنی داده

نشود از ۱۵ اسفند اعتصاب سراسری خواهند داشت.

در اعتصاب دو روزه دوشنبه و سه شنبه جدا از تهران در شهرهای خراسان، یزد، مازندران، کهگیلویه، چهارمحال بختیاری، کرمانشاه، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز و شهرهای استان فارس بخش زیادی از مدارس در اعتصاب بودند. که اخبار آن در سایت های دولتی نیز اشاره شده بود. کانون صنفی از شرکت حدود ۴۰ درصد مدارس در سراسر ایران در اعتصاب گزارش داده که البته این يك اعتصاب اختیاری بود.

من شخصا شك ندارم که اعتصاب بعدی گسترده تر خواهد بود. همینطور مطلع شدم که در روزهای ۱۰ و ۱۱ اسفند جلسات شورای هماهنگی کانونهای صنفی معلمان است که آنها در این جلسات در مورد چگونگی ادامه این اعتراضات بحث خواهد داشت. خواستهایی که در این اعتراضات طرح کردیم

خواست اجرای طرح لایحه خدمات کشوری و همسازی حقوق معلمان با بخش های دیگر دولتی و در واقع افزایش اساسی سطح حقوقهاست. همینطور کمک به بهبود وضع مسکن، بهداشت رایگان خواست همیشه ما بوده است و ما میخواهیم تشکل خود را داشته باشیم. معلمان گفته اند این اعتراضات تا رسیدن به هدف همچنان ادامه خواهد داشت و ما بر روی اعتراض خود مصر هستیم. هم اکنون در مناطق ۸، ۱۶ و ۸ هنوز بعضی مدارس در اعتصاب هستند.

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تماس با واحدها و مسئولین حزب در کشورهای مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr. 45477981
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 60-30 639 60
صاحب حساب IKK

آلمانی:

Dariush safa
Konto Nr:894922303
Kredit Institut
Post bank Hannover
BLZ:25010030

کانادا:

TD Canada Trust
A. Mikanik
transit#1672
Institution#504
Acc#6235975

اگر از ایران ارسال میکنید:

میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تماس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم.

تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

جدل

جدل نشریه ای سیاسی است که از حزب کمونیست کارگری در مقابل سایر جریانها و گرایشها دفاع کرده و مواضع جریانها دیگر را در چهارچوب مواضع حزب به نقد میکشد

جدل به سردبیری فرشاد حسینی منتشر میشود

<http://www.wpiran.org/jadal-online/index.htm>

یک دختر نوجوان در سنج بخاطر عدم رعایت حجاب اسلامی قربانی شد

روز ۴ شنبه ۲ بهمن ماه ۸۵ يك دختر ۱۵ ساله بنام سحر احمدی در محله قطارچیان (کوچه ستاد سابق) - سنج خود را حلق آویز کرد. بنا به این خبر که به کمیته کردستان حزب رسیده است پدر این دختر جوان که یکی از مریدان مکتب قرآن بوده است، بدلیل اینکه دخترش حجاب اسلامی را رعایت

نکرده او را در حضور همکلاسی هایش مورد اهانت و کتک کاری قرار می دهد. بدنبال این ماجرا، سحر به منزل برگشته و متأسفانه خود را حلق آویز می کند. چنین رویدادی نشان می دهد که حجاب نه تنها پرچم بی حقوقی زنان و دختران است بلکه تا سر حد گرفتن جان زنان نقش بازی می کند. کمیته

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
۲۶ فوریه ۲۰۰۷

پلاتفرم تصرف قدرت سیاسی و بحث حزب رهبر - سازمانده



حمید تقوایی

را مطرح کرد اساسا يك حزب مبلغ بودیم. تازه بحثهای حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی منصور حکمت طرح شده بود. ما در این مدت درجا زده ایم. آیا واقعا در ۴ سال گذشته حزب ما درجا زده است؟ اگر در جا زده است این اتفاقات چیست که در جامعه رخ میدهد؟ کدام روح عجیب غریبی است که دشمن ما در دانشگاهها می بیند و ما خودمان نمی بینیم. ما جسم آن روحیم. آن شیخ لنینی که در دانشگاهها است و میگوید حتی به کائوتسکی رضایت نمیدهد، به برنشتاین رضایت نمیدهد، لنینی است. این روح از کجا آمده است؟ از آسمان؟ در دنیای که راست همه جا دارد بیداد میکند چرا در يك جزیره ای مثل ایران رهبران حکومتش بیکیدیگر هشدار میدهند که شیخ لنین و انقلاب لنینی در این دانشگاههاست! فقط اسم ما را نمیخواهند بیآورند. هیچ حزبی نمیتواند فقط با ترویج و تبلیغ این تاثیر را داشته باشد. این ممکن نیست.

نکته دیگر بحث آکسیونیسیم است که به این مساله نقش ما در جامعه هم مربوط میشود. رفیق علی انتقاد میکند که کار حزب آکسیونیستی است. رفیق علی یا دقت نمیکند و یا دوست ندارد دقت کند. آکسیونیسیمی که منصور حکمت مورد انتقاد قرار میدهد گذاشتن حزب بجای جامعه و آکسیون کردن از قول مردم است. این معنی آکسیونیسیم است. يك نقد منصور حکمت این بود که در خارج کشور ۵۰ نفر عضو ما بخیبابان میروند و به اسم جامعه مثلا برای حقوق زن آکسیون میکنند. این آکسیونیسیم است، جامعه و مردم را باید بسیج کرد. و به همین خاطر مدام منصور حکمت بر کار در میان ایرانیان مقیم خارج تاکید میکرد. وقتی امروز ما مشغول همین بسیج

من همیشه اینطور فکر میکردم ام که رهبری حزب باید در سطح ماکرو سیاست، جهت، افق، گره گاههای اصلی، محورهای کار و غیره را تعیین کند و آن وقت يك حزب حاضر به براق آستینها را بالا میزند و سیاستها را پیاده میکند. من همیشه این نقش را در رهبری حزب میدیدم و به سهم خودم تلاش کرده ام این کار را بکنم. اگر کسی میگوید برویم پیشروان را به حزب بیاوریم خواهیم گفت این بحث درست است ولی در این سطح نیست. من میخواهم بلیط قطار بگیرم و بروم اصفهان و شما میگوئید باید رفت اصفهان. معلوم است. با رهبر سازمانده، رهبر سازمانده شیرین نمیشود. من در جلسه دفتر سیاسی هم به رفیق علی گفتم این بحث رهبر سازمانده در خود است. فیلم این جلسه پخش میشود و کنگره هم همینطور. مردم می بینند پلنوم و یا کنگره بر این تاکید میکند که حزب کمونیست کارگری باید رهبر سازمانده بشود. مردم خواهند گفت خوب برو بشو! به من چه داری بگویی؟ به جامعه اعلام میکنی که میخواهم رهبر بشوم و یا کاری میکنی که عملا رهبر بشوی. حرفش را نمیزنی کارش را میکنی.

بحث تصرف قدرت سیاسی ما را به حزب رهبر سازمانده تبدیل میکنند. اگر مبارزه را درست تشخیص بدهیم، و محور کار را درست تشخیص بدهیم چون که صد آید نود هم پیش ماست. بقیه دورش درست میشود. در این که رهبران عملی را باید بیاوریم هیچ کس شک ندارد. از چریک فدائی قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران تا همین امروز در خود حزب کمونیست کارگری هیچکس در این تردیدی ندارد. همه سؤال اینست که چطور؟ بحث حزب و جامعه منصور حکمت چطور در این ضرب میشود؟ شرایط امروز چطور در این ضرب میشود؟ بحث من اینست: با اعلام اینکه حزب آماده است و میروند قدرت سیاسی را بگیرد. حول این سیاست به حزب رهبر سازمانده تبدیل میشود. اولاً همانطور که گفتم در این جهت پیش آمده ایم. زمانی که منصور حکمت این بحث

میشویم. حزب رهبر سازمانده پیش فرض کل این سند است. از اینجا شروع کرده است. به همین دلیل در توزیع داخلی لیست اسناد گذشته حزب در این مورد را ضمیمه کرده ام. وقتی هم که رفقا گفتند جذب رهبران عملی سؤال کردم چطور؟ علی میگوید ما نمیگوئیم به شیوه سوزنی و فردی بلکه در مقیاس ماکرو و اجتماعی. من هم این را قبول دارم. ولی چطور باید این کار را کرد؟ در همان سطح ماکرو و اجتماعی چطور باید این کار را کرد؟ مساله فقط سازماندهی نیست باید تبلیغ ویژه ای، محورهای فعالیت ویژه ای، کمپینهای ویژه ای، آکسیونهای ویژه ای، طرحهای تشکل ویژه ای، با توجه به بحث تعیین بخشی رهبران چپ و با توجه به قطعنامه های گذشته ولی ضریرد شرایط امروز و آیدیت شده را در دستور کار گذاشت. بحث رفقا کلی تر از اینهاست، عمومی تر از اینهاست، و عقب تر از اینهاست.

ثانیا این بحث به يك معنای دیگر هم کلی و عقب است. ما در جهت تبدیل شدن به حزب رهبر و سازمانده پیش آمده ایم و رفقا این را نمی بینند. رفقا میگویند ما حزب مبلغ ایم و برای تبدیل شدن به حزب رهبر سازمانده باید انتقالی صورت بگیرد. نقد را دو جور میشود مطرح کرد يك: جهت و خط و افق درست است اما کمبود و ضعف دارد و باید تغییرات و اصلاحاتی در آن وارد شود. و دو: کل جهت غلط است! میخواهیم برویم شیراز شما دارید میروید اصفهان. رفقا بعضی جاها با ژست دوم صحبت میکنند بعضی جاها با ژست اولی. ولی اگر فراکسیون بخواهد فراکسیون بماند مجبور است بیشتر و بیشتر از موضع دوم انتقاد کند. و نمونه هایی از آنرا در بحث صبح امروز دیدیم. "بیست سال عقیدت! موتور کوچک! از فراز سر رهبران عملی میخواهید انقلاب کنید!" به من که بحث رهبران عملی را باز کرده ام و نوشته ام میگویند از فراز سر آنها میخواهید کار کنید. (به مقاله "حزب و جامعه در ایران، بحثی بیارمون ابراز وجود اجتماعی رهبران عملی" مراجعه کنید-انترناسیونال)

است و غیره و غیره. رفیق آذر هم پیشاپیش به ما وعده میدهد که وقتی نوبت به بحث پلاتفرم برسد به تان میگوئیم. اما رفیق علی در بحث اش يك کلمه از موتور بزرگ و كوچك و عقب و جلو نگفت. بر حزب رهبر سازمانده تاکید کرد. من قبلا در جلسه دفتر سیاسی جواب این را داده ام. در دفتر سیاسی بحث این بود که تم کنگره چه باشد. نظر من این بود که تم کنگره باید تصرف قدرت سیاسی باشد. رفیق علی گفت حزب رهبر سازمانده همانجا گفتم رفیق جان این عقب است. این نه به فراکسیون مربوط است نه به هیچ مساله دیگری. این تر عقب است به این دلایل:

این بحث قدیمی است. بروید قطعنامه های کنگره ۴ و ۵ را بخوانید. در این اسناد به مساله رهبر و سازمانده نه تنها تاکید شده بلکه در مقیاس ماکرو که مورد تاکید علی است و در مقیاس مایکرو، در سطح اجتماعی و در سطح سراسری، بدقت و مفصلا توضیح داده شده که چطور باید به حزب رهبر سازمانده تبدیل شد. وقتی رفقا پلاتفرم فراکسیون را دادند گفتم این بخشی از اسناد مصوب حزب است، کلی تر است، ناقص تر است، ولی در خود غلط نیست چون بخشی از نظرات حزب است. رفیق علی طوری از حزب رهبر سازمانده صحبت میکند که گوئی اولاً این کشف فراکسیون است و ثانیا چون ما به يك دلایل عجیبی نمیخواهیم فراکسیون را برسمیت بشناسیم همه چیز را گفته ایم که این را نگوئیم! رفقا این تر رهبر سازمانده در حزب ما قبلا مطرح شده و داریم همین را باز میکنیم. میدانید قضیه به چه میماند؟ مثل اینست که من بخواهم از تهران به اصفهان بروم و رفته ام بلیط قطار خریده ام و یا اتومبیلی تهیه کرده ام و بنزین زده ام و غیره و رفیقی میگوید یادت رفته است برویم اصفهان! باید از تهران برویم اصفهان! میگویم رفیق جان این بحث تمام شد. تصمیمان را گرفتیم که برویم اصفهان. داریم تدارک می بینیم داریم در سطح تاکتیکی و سیاسی و عملی و مشخص تر آماده

این مقاله بر مبنای بحث جمع بندی مباحثات مربوط به قطعنامه و پلاتفرم حزب برای کسب قدرت سیاسی در پلنوم ۲۷ تنظیم شده است. (متن شفاهی این سخنرانی در نوار پنجم روز اول پلنوم ۲۷ روی سایت حزب در دسترس عموم است).

رفقای متعددی نکات و پیشنهادات اصلاحی در مورد قطعنامه داشتند که کتبی ارائه نشده. من فکر میکنم امشب را برای بررسی این پیشنهادات وقت بدهیم و فردا رای گیری نهائی کنیم. با بعضی از این اصلاحات من موافقم. درست است که قاعدتا میبایست این اصلاحات کتبی ارائه میشد ولی باید توجه داشت که این سند را ۲۴ ساعت قبل بدست رفقا رساندیم و وقت برای دادن اصلاحات کتبی کافی نبوده است. این معقول است که برای بررسی و وارد کردن اصلاحات امشب وقت بگذاریم. يك پیشنهاد بود که سند اول را مقدمه سند دوم کنیم. پیشنهاد دیگری بود که سند اول را برای تصویب به دفتر سیاسی بدهیم. روی اینها هم میتوانیم تصمیم بگیریم. من بهیچوجه عجله ندارم که فوراً این اسناد تصویب شود. دقیقتر باشد بهتر است.

اما بروم بر سر بحثها. انتقاد اصلی را رفیق علی مطرح کرد. من هم راستش مثل کاظم فکر میکنم که گفت با ۷۵ در صد بحث علی موافق است. من بیشتر از ۷۵ در صد هم موافقم. مساله اینست که رفقا میخواهند این بحث را در يك چهارچوب قطبی بگذارند. و این از نظر من از فراکسیون ناشی میشود. من ضرر فراکسیون را این میدانم و از اول هم همین را گفتم. رفقا روی این خط که بروید مجبورید که اختلاف را عمیق تر کنید. علی میتواند بگوید این سند يك بند در مورد سازماندهی رهبران عملی لازم دارد و باید این بند اضافه شود و یا اصلاحات دیگری وارد شود. در بحثهایی که امروز صبح قبل از تنفس رفقا مطرح کردند می شنویم که این قطعنامه و پلاتفرم بیست سال عقب است و تر موتور كوچك

از صفحه ۸ پلاتفرم تصرف قدرت سیاسی ...

مردم هستیم دیگر نمیتوانید انتقاد آکسیونیسیم را مقابل ما بگذارید. آیا کمپین نجات جان نازنین فاتحی صرفا حزبی بود؟ آنقدر حزبی نبود که شما میگویند اصلا حزب در آن نقش نداشت! این یک کمپین اجتماعی است. کمپین حزب ما برای شرکت واحد آکسیونیسیم بود؟ کمپین علیه سنگسار آکسیونیسیم است؟ آکسیونیسیم غلط است اما اینها آکسیونیسیم نیست. اینها سازماندهی جنبشهای اعتراضی است. سازماندهی میتینگهای اعتراضی است، سازماندهی تظاهرات توده ای است، سازماندهی اعتصابات است. ما مشغول این فعالیتها هستیم و اگر کم است باید بیشتر این نوع فعالیتها را انجام بدهیم. وقتی من میگویم باید این فعالیتها را به داخل هم برد منظورم این نیست که در تهران هم ۵۰ نفر برویم به شیشه سفارت سنگ بزنیم. این پوچ است و اصلا نمیشود این نوع فعالیت را به داخل منتقل کرد. منظور من کمپین های اجتماعی است. در خارج کشور شخصیتهای سرشناس داریم، در خارج کشور برایمان کلاه از سر بر میدارند و البته کم کم در داخل هم دارند با احترام از حزب حرف میزنند. همان اندازه که حزب تنه اش را به عرصه مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی زد این عکس العمل را دیدیم. کاری که مثلا فراسیون در سوئد میکنند آکسیونیسیم نیست. خیلی ها را بخیاان میآورد. کمپین علیه اعدام هم آکسیونیسیم نیست. این نوع کار را باید در داخل کشور هم انجام بدهیم. این عین مبارزه اجتماعی است و کاریست که باید حزب در سطح وسیعتری انجام بدهد. سازماندهی انقلاب یعنی همین. اگر این نوع کار را هم تحت نام آکسیونیسیم خط بزنییم آنوقت چه بخواهیم و چه نخواهیم این میماند که بقول خود علی برویم سوزنی کار کنیم.

نکته دیگر اینکه علی میگوید "مدعی کسب قدرت سیاسی کم نیست." چرا کم است. ما یکی مدعی نیستیم! بقیه ادعا میکنند ما یکی ادعا نمیکنیم! میدانم در تئوری میگوئیم. در قطعنامه میگوئیم ولی در تبلیغ روزمان این

کار را نمیکنیم. من از خود علی میپرسم شمائی که در تلویزیونها بیشتر از همه حضور پیدا میکند و بحث میکند چند بار گفته اید: حزب ما قدرت را میگیرد؛ ما میخواهیم قدرت را بگیریم؛ آقای داریوش همایون و یا هر کسی که نشسته ایم و با هم مناظره میکنیم میگویند آینده ایران چه میشود؛ من میگویم حزب ما قدرت را میگیرد؛ و حزب منتخب مردم ام.

کلی سوزده است که میتوان راجع به آنها صحبت کرد. ادعای تصرف قدرت دادن حقانیت انقلاب اساسی است که بگوئید ما حزب اکثریت جامعه هستیم و اگر آزادی های سیاسی واقعی وجود داشته باشد ما به حکومت انتخاب خواهیم شد. به نظر من بحثی که منصور حکمت در مورد اینکه حزب با انتخابات هم میتواند بقدرت برسد در سمینار "آیا کمونیسم در ایران پیروز میشود" مطرح کرد از یک اهمیت استراتژیک برخوردار است. اینطور نبود که انتخابات فقط بعنوان یک احتمال تئوریک و آکادمیک طرح شد و کنار گذاشته شد. به نظر من جزئی از هجوم و تعرض به طبقه ای که میخواهیم از او خلع ید سیاسی بکنیم اتکا بر این واقعیت است که ما حزب اکثریت جامعه هستیم. طبقه حاکمه ما را سرکوب میکنند چون این واقعیت را میداند. میدانم اگر مردم واقعا حق انتخاب داشتند حزب ما را بقدرت انتخاب میکردند. این منطق، این روح، این موضوع را میشود به هزار زبان نوشت و گفت و توضیح داد. همانطور که یکی از رفقا گفت حزب رهبر سازمانده باید تبلیغ و ترویج اش هم متفاوت باشد. و سازماندهی اش هم متفاوت باشد. در هر حال محور بحث اینست که حزب را باید بعنوان مدعی قدرت سیاسی و قادر به کسب و حفظ قدرت ساخت و قبل از همه این باور را در خود حزب بوجود آورد.

زمانی بحث ما با رفقای که انشعاب کردند بر سر این بود که

آنها انقلاب و سوسیالیسم و جمهوری سوسیالیستی را یکسره کنار گذاشته بودند و میگفتند حکومت حزب و داستان زندگیشان را تصرف قدرت سیاسی میدانستند. در آن مقطع به درست بر انقلاب و سوسیالیسم کوبیدیم اما نباید از آنور بام بیافتیم. شاید تحت تاثیر بحثهای آن دوره اینکه حزب قدرت را میگیرد برجستگی خودش را از دست داد. دو مساله است: چطور قدرت را میگیریم و چطور طبقه و جامعه را برای حکومت شورائی و سوسیالیستی سازمان میدهیم. این دو امر متفاوت است. در هر حالت حزب قدرت را میگیرد و همانطور که علی هم گفت مجازیم به هر شکلی که میتوانیم قدرت را بگیریم. اما شکل عملی، محتمل و واقعی بقدرت رسیدن حزب انقلاب است. برای اینکه انقلاب را سازمان بدهید فقط گفتن این که باید حزب سازمانده بشویم کافی نیست. از این مرحله رد شده ایم و در جهت سازماندهی پیش رفته ایم. اگر کسی فکر کند تبلیغ و ترویج مان خوبست و فقط باید سازماندهی را تغییر بدهیم اشتباه میکنند. و اگر کسی فکر میکنند در زمینه سازماندهی هیچ نکرده ایم و فعالیتهای سازماندهی ما از صفر شروع میشود او هم اشتباه کرده است. به نظر من همه این جوانب که در پلاتفرم پوشانده شده هم در سطح سازماندهی و هم تبلیغ و ترویج در حزب تحول ایجاد میکنند و فقط حول تصرف قدرت سیاسی میشود این کار را کرد.

منصور حکمت بر این تاکید میکرد که فرصتها را اگر در نیابیم از دست میروند. اینطور نیست که اگر حزب ما شانس و موقعیتی برای تصرف قدرت داشته باشد تا ابد این فرصت وجود خواهد داشت. تاریخ مصرفش میگردد. تمام میشود. غذا سرد میشود دور میاندازند، فقط از دوازده تا یک وقت دارید. ما این را تجربه کرده ایم. در مقاطعی جلو آمده ایم و تعرض کرده ایم. مثل بعد از کنفرانس برلین و یا اعتصاب کارگران واحد و یا در آغاز کار تلویزیون. در این مقاطع بطور اجتماعی تعرض کردیم اما دوره اش به سر رسید و تمام شد. جامعه صبر نمیکند، میگردد و عادت میکند. میگوید این حزب هم هر از چندی

کار خوبی انجام میدهد. هر ششماه یکبار و حالا هر سه ماه یکبار. این نوعی در جا زدن است. باید سیاست و جهت گیری ای داشته باشیم که به استقبال این فرصتها برود و این فرصتها را بسازد. سیاستی که حولش حزمان را بسازیم، طرحهای عملی را پیاده کنیم، تبلیغ و ترویجمان را درست کنیم، حزب رهبر و سازمانده بشویم و همه این فعالیتها را به پیش ببریم. این سیاست محوری، همانطور که گفتیم، تصرف قدرت سیاسی است. دقت کنید که بحث بر سر تصرف قدرت سیاسی است و نه بحث عمومی حزب و قدرت سیاسی و یا استراتژی حزب برای رسیدن بقدرت سیاسی. این بحثها را داشته ایم و بجلو آمده ایم. بحث بر سر نقشه عمل است و بهمین خاطر اسم این سند پلاتفرم عملی برای تصرف قدرت است. هم نکاتی که علی میگوید حول این پلاتفرم بر آورده میشود و هم نکاتی که مصطفی میگوید که عمدتا اتکا بر آگاهی از نقش حزب و موقعیت حزب است و هم نکاتی که مورد نظر من است در رابطه با انقلاب و جنبشهای اجتماعی.

یک نکته را هم در خاتمه در مورد فراکسیون بگویم چون علی در بحثهایش اشاره کرد. رفقا این کار درستی نیست که اول یک نوع هجوم و حمله غیر سیاسی و تشکیلاتی را بطرف مقابل نسبت بدهیم و بعد خودمان تظلم خواهی کنیم. در لباس قربانی ظاهر بشویم. نه چنین اتفاقی افتاده است و نه قرار است بیفتد. اگر اختلاف و بحثی هست سیاسی است و این را در همین پلنوم دارید میبینید. من شخصا در بخش دوم صحبتهای علی، و نه در سخنان قبل از تنفس، اختلاف قطبی ای ندیدم. در بحثهای صبح او هم همانطور که گفتیم این قطبی شدن به نظرم تصنعی و برای توجیه فراکسیون بود. من یکی انتظارم این بود، امیدم این بود که رفقا بگویند این بندها را اضافه میکنیم، این بندها را هم تصحیح و کامل میکنیم، و به پلاتفرم رای مثبت میدهیم. قبلا دو پلاتفرم بوده است. پلاتفرم رهبری که من در پلنوم بیست ارائه دادم و تصویب شد و پلاتفرمی هم فراکسیون داده است. الان پلاتفرم سومی مطرح است.

همه میرویم پشت این پلاتفرم و از نظر سیاسی مساله حل میشود. رفقا امروز وحدت رهبری حزب تعیین کننده است. این وحدت حول یک پلاتفرم و یک خط میتواند بوجود بیاید و این تعیین کننده است. حزب با فراکسیون، آنهم فراکسیونی که میخواهد ثابت کند خط بقیه چپ سنتی است و مانوئیسیتی است و بیست سال عقب است به هیچ جا نمیرسد. نمیتواند این حزب اینطوری راه برود. حتی کار روتین اش را نمیتواند بکند چه برسد به پاسخگویی به شرایط متحول حاضر. راه حل سیاسی حزب، انسجام حزب، و برای اینکه بحث اخراج و انشعاب و غیره و غیره هم تماما کنار برود، اینست که رفقا بگویند فراکسیونی تشکیل دادیم، پلاتفرمی دادیم، حرفهایمان خیلی فرق میکرده، ولی هر چه بود حالا به پلاتفرم واحدی رسیده ایم. نظرات اصلاحی خودمان را وارد پلاتفرم تصرف قدرت میکنیم و این میشود پلاتفرم یک پلنوم متحد. با اتفاق آرا. و فراکسیون از نظر سیاسی تمام میشود. این راه حل اساسی است. من نمیگویم علیرغم مخالفتهایشان رفقا این تصمیم را بگیرند ولی من فکر میکنم خیلی از مخالفتها بخاطر وجود فراکسیون است و نه برعکس. فراکسیونی هست باید استقلال اش را حفظ کند و یاد این شکاف عمیق تر بشود و بنا براین باید اختلاف تراشیده شود. من از تفاوت بحث صبح و بعد از ظهر رفقا این را فهمیدم. بر اساس این بحث اخیر علی من میگویم ۸۵ در صد هم جهتیم. بر اساس بحث صبح میگویم در دو جهت ۱۸۰ درجه مخالف یکدیگر قرار داریم.

در هر حال فراکسیون باید تشخیص سیاسی بدهد و تصمیم بگیرد و روشن کند. قبلا هم گفته ام که هر اختلاف نظر سیاسی ای فراکسیون نیست. اینطور نیست ما یا فراکسیون داریم و یا همه عینا مثل هم فکر میکنیم. هیچوقت این حزب عین هم نبوده بخصوص در دوره بعد از منصور حکمت. با این حال فعالیتمان را کرده ایم و در عین حال همانطور که در پلاتفرمشان رفقا گفته اند با ۹۰ در صد مصوبات حزب موافقت. هنوز هم

گزارشی از اعتصاب کارگران ساختمان سازی پالایشگاه آبادان

مسعود رفیعی گزارشگر حزب کمونیست کارگری ایران

سنگینی که به حقوقشان بویژه اضافه کاری آنان بسته میشود. در نتیجه دریافتی ناشی از اضافه کاریشان به حداقل میرسد. باز هم کارگران مورد سواستفاده قرار میگیرند و در واقع کار بی مزد انجام می دهند.

نکته دیگر اینکه کارگران در بدو استخدام فرم قراردادی را که امضا می کنند فقط تاریخ شروع بکار در آن قید میشود اما هرگز تاریخ پایان قرارداد ذکر نمی شود، که معروف به نتیجه شرکت با این ترفند هر آن که اراده کند دستش برای تسویه و اخراج کارگران کاملاً باز است. و آنان حق هیچگونه اعتراضی ندارند و اداره کار و سایر مراجع قانونی نیز از آنان حمایت نخواهند کرد. *

کرد. کارفرما با پرداخت بخش بسیار اندک و ناچیز ماهانه از مزایای فوق در واقع ترفند خود را علیه کارگران بکار میگیرد تا از نظر قانونی و حقوقی کار خود را توجیه کند. اما آنچه مهم میباشد این است که کارگر در پایان کار پروژه با دست خالی شرکت را ترک میکند.

با منظور کردن قانون فوق آن که در آستانه سال نو میباشیم دیگر خبری از گرفتن عیدی کارگران وجود ندارد. که این مسئله بسیار غم انگیز میباشد.

لازم به توضیح میباشد که کارگران بنا به وضعیت اسفناک معیشتی و دست مزد بسیار اندک ناچار به پذیرفتن اضافه کاری هستند اما از سویی بدلیل مالیات

یک نوع سرقت از حقوق کارکنان محسوب می شود.

۳- کارگران روزی دوازده ساعت کار می کنند و علاوه بر آن حداقل صدوچهل الی دویست ساعت در ماه اضافه کاری (بصورت کار در روزهای تعطیل رسمی و همچنین در روزهای مرضی) انجام میدهند. کارکنان هیچ روزی را بنام ایام تعطیلات ندارند در نتیجه اگر در روز تعطیل رسمی سر کار نباشند آنروز از مرخصی شان کسر میشود و مزایای روز تعطیل شامل حالشان نمی شود.

۴- همچنین بنا به مفاد قرارداد کارگران در زمان اخراج و یا در اتمام کار پروژه هیچگونه مزایایی از جمله غرامت اخراج یا حق سنوات و پاداش عیدی سال دریافت نخواهند

طاعت فرسا است. برای تعیین پایه حقوق سمت کارگر ساده در نظر گرفته است. در نتیجه دریافتی آنان بسیار کم شده است. از این رو این کارگران بشدت به پایه حقوق خود معترض میباشند.

۲- کارگران از مزایایی بنام حق مسافرت برخوردار بودند که به تناسب پایه حقوق ماهانه حداقل صد هزار تومان به حقوقشان اضافه می شد اما با حذف این آئتم از اشل حقوقی شان متحمل فشار شدید مالی شده اند. از اینرو به حذف این آئتم نیز اعتراض دارند.

جالب اینجاست که اگر چه حق مسافرت حذف است اما این آئتم در ستون کسورات به بهانه تنظیم جدول حقوقی دیده میشود. پر واضح است که این عدد صوری نبوده و در واقع

شرکت ای.سی.سی در تغییراتی که در چند ماه اخیر در اشل حقوقی کارگران بوجود آورد باعث اعتراض شدید آنان شد. این تغییرات به شرح ذیل میباشد:

۱- براساس جدول حقوقی اداره کار پایه حقوق کارگر ساده شش هزار تومان در روز و دریافتی ماهانه آن در حدود سیصد و پنجاه الی چهارصد هزار تومان میباشد. و پایه حقوق کارگر ماهر نیز شش هزار و هشتصد تومان در روز و در نتیجه حقوق دریافتی در ماه حدوداً ششصد هزار تومان میشود. شرکت مذکور کارگران جوشکار و قالب بند و چکش زن (کارش تخریب آرماتور میباشند) و آرماتوربند که جز کارگران ماهر هستند و کارشان بسیار سنگین و

اعتصاب و تجمع ۶۰۰ کارگر واحد ساختمان سازی پالایشگاه آبادان



است. حمایت سایر بخشهای پالایشگاه از کارگران ساختمان سازی نه تنها میتواند این اعتراض را فوراً به نتیجه برساند بلکه همچنین گام مهمی کل جنبش کارگری در ایران را به جلو خواهد برد.

لازم به ذکر است که کارگران پروژه اس.ام متعلق به همین شرکت در علسویه نیز بدلیل اینکه از آبان ماه تاکنون حقوق دریافت نکرده اند دست به اعتصاب زده اند.

اخبار دقیقتر و جدید مربوط به این اعتراضات را بمحض دریافت باطلاع خواهیم رساند.

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری
حزب کمونیست کارگری ایران

و حراست بشدت از ادامه اعتصاب و گسترش اعتراض در پالایشگاه آبادان نگران هستند. بدنبال وعده های مسئولین، پس از چند ساعت کارگران به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند اگر به خواسته هایشان رسیدگی نشود مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد و کوتاه نخواهند آمد.

حزب کمونیست کارگری کلیه کارگران پالایشگاه آبادان را به حمایت از مبارزه کارگران ساختمان سازی پالایشگاه فرامیخواند. اتحاد و همبستگی بخشهای مختلف طبقه کارگر با مبارزات یکدیگر برای موفقیت اعتراضات کارگری حیاتی

بنا به خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، حدود ۶۰۰ نفر از کارگران شرکت ای.سی.سی در پالایشگاه آبادان در اعتراض به کاهش حقوق و دستمزدهای خود در چند ماه اخیر روز سه شنبه ۸ اسفند (۲۷ فوریه) دست به اعتصاب زدند. کارگران اعتصابی که عمدتاً کارگران واحد ساختمان سازی بودند از اول صبح دست به تجمع زدند. حراست و مسئولین پالایشگاه بعنوان کارفرما و ناظرین طرح برای جلوگیری از گسترش اعتصاب با نمایندگان کارگران مذاکره کردند و قول دادند که به خواسته های کارگران رسیدگی شود. مسئولین پالایشگاه

از صفحه ۹ پلاتفرم تصرف قدرت سیاسی ...

من امیدوار به راه حل سیاسی هستم و به نظر من این بهترین و اصولی ترین راه است. چه از نقطه نظر کل حزب، چه جنبش، و چه از لحاظ ضروریات انقلاب و منافع طبقه کارگر، اگر به اینها باور داریم، این بهترین راه حل است. *

جوابی برای کسی نیست. نه در جامعه نه در صفوف حزب. چون بحث جدیدی نیست، بیش از حد کلی است، بیش از حد اوضاع سیاسی حاضر در آن غایب است، بیش از حد غیر تاکتیکی است. و بیش از حد استراتژیک است. استراتژی ای که حزب فی الحال دارد.

میتواند به این سند اضافه بشود. مغایر این سند نیست. این پلاتفرم ترجمه عملی و قدم بقدم تبدیل شدن به حزب رهبر و حزب سازمان ده است. چیزی جز این نیست. مگر اینکه رفقا بگویند در همین سطح مشخص و کنکرت ما سند دیگری را ارائه میدهم. و گرنه انتقال سیاسی به حزب رهبر- سازمانده

اقليمی هم ننگنجم چه برسد در گليم حيات ديران و يا دفتر سياسی رهبری حزب. من راه حل سياسی دارم. من ميگويم حزب بايد متحد با يك پلاتفرم سياسی از اين پلنوم بيرون بيايد. هر بحث و نکته در مورد رهبران عملی و غيره داريد

میتواند اینطور باشد و یا اختلاف داشته باشیم و کارمان را بکنیم. ولی اگر یکی فکر کند دیگری مانوئیست است، یکی سکتاریست است، دیگری اکسیونئیست است، یکی بیست سال عقب است، معلوم است نمیتوانیم با هم کار کنیم. در

کمپین نجات دلارا دارابی با قدرت به پیش میرود!



میانا احدی و نازنین افشین جم برای نجات دلارا فعالیت‌های مشترکی را تدارک می‌بینند!

دلارا در زندان رشت با کابوس اعدام دست و پنجه نرم می‌کند. فعالیت‌های جهانی برای نجات دلارا گسترده تر شده و احتمال بازگشایی مجدد پرونده وجود دارد.

نازنین افشین جم و میانا احدی طی تماسی تلفنی با خانواده دلارا و دست اندکاران این پرونده اعلام کردند که به مجموعه فعالیت‌هایی بین المللی برای نجات جان دلارا اقدام خواهند کرد.

کمیته بین المللی علیه اعدام در یک هفته گذشته، با فعال کردن طومار اعتراض به حکم اعدام دلارا توانست بیش از ۴۰۰۰ امضا جمع آوری کند. این امضاها ادامه دارد. همچنین

منوچهر ماسوری با تماس با نمایندگان پارلمان در سوئد و وزارت امور خارجه سوئد یکبار دیگر از آنها خواست فوراً به این حکم وحشیانه اعتراض کنند.

کمیته بین المللی علیه اعدام و نازنین افشین جم در صدد هستند، با تماس گرفتن با نهادهای مدافع حقوق انسانی و یا تشکیل نمایشگاه عکس از نقاشی‌های دلارا و ترتیب دادن میتینگ و تظاهرات دلارا را نجات دهند.

ما نخواهیم گذاشت دلارای جوان اعدام شود، اینرا به خود دلارا و به خانواده او قول داده ایم.

دلارا در زندان از شنیدن خبر آزادی نازنین فاتحی خیلی خوشحال شده و پیغام ما را مبنی بر تلاش‌های گسترده جهانی برای نجات خود شنیده است.

کمیته بین المللی علیه اعدام یکبار دیگر از همگان دعوت میکند کمک کنند دلارا را نجات دهیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام
۲۴ فوریه ۲۰۰۷

نه به حجاب! نه به ترور، نه به جنگ!

مارش علیه حجاب به طرف کمیسیون اتحادیه اروپا در بروکسل از کشورهای آلمان، فرانسه، هلند و بلژیک

**روز جمعه ۲ مارس
با ما علیه حجاب و
برای حمایت از
مبارزات زنان در ایران
تظاهرات کنید!**

زنده باد روز جهانی زن



امسال زنان در ایران، اعتراض به حجاب، نه گفتن به حجاب، پرت کردن حجاب و اعلام جرم علیه جمهوری اسلامی ایران، بدلیل تحمل حجاب این سمبل آپارتاید جنسی و بردگی زن را، در راس خواسته‌های خود به مناسبت هشت مارس اعلام کرده اند.

ما همصدا با زنان در ایران اعلام میکنیم که در همه جا، و در میتنگ‌های مختلف در سراسر جهان، بر علیه حجاب به میدان آمده و این اعلام جرم را به گوش نهادهای بین المللی خواهیم رساند.

سخنرانان:

میانا احدی

مهین علیپور

مریم نمازی

تظاهرات ایستاده در شهر آخن ساعت ۹:۳۰ صبح راهپیمایی در بروکسل ساعت ۱ بعد از ظهر
تظاهرات اصلی در مقابل ساختمان کمیسیون اتحادیه اروپا ساعت ۲ بعد از ظهر
برگشت ساعت ۵ بعد از ظهر به طرف میدا

زمان حرکت با اتوبوس:
۲ مارس ۸ صبح از کلن
۲ مارس ۶:۳۰ صبح از فرانکفورت
۲ مارس ۴:۳۰ صبح از برمن

تماس و اطلاعات بیشتر:

آلمان:

کلن: سهیلا خسروی

+49 (0178) 3024832

فرانکفورت: شهناز مرتب

+49 (0172) 9716227

برمن: سیلک مکی

+49 (0172) 4037035

فرانسه: پدی کوهی

0033-624918423

هلند: بهمن ناگر

0031-649906014



**اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.**

**به حزب کمونیست
کارگری ایران پیوندید**

**یا بربریت
یا سوسیالیسم!**

**سوسیالیسم به پاخیز
برای رفع تبعیض!**

سمینار حمید تقوائی در چت روم پلتاک

یکشنبه ۴ مارس ساعت ۶ بوقت اروپای مرکزی
حزبیت کمونیستی و انحلال طلبی راست
پیرامون مباحثات اخیر در حزب کمونیست کارگری ایران

زمان: یکشنبه ۴ مارس ۲۰۰۷، ۱۳ اسفند ۸۵
ساعت ۶ بوقت اروپای مرکزی، ۱۲ بوقت شرق کانادا و آمریکا، ۸:۳۰
شب بوقت ایران

مکان: اطاق ایران - با حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست
کارگری ایران

محل اطاق در پلتاک:

زیر گروه Asia/Africa/Australia روی Persian کلیک کنید

اطلاعیه حزب در مورد انتقال تلویزیون حزب از تل استار به هات برد و توقف برنامه رادیو انترناسیونال

برد است. با اینهمه امیدواریم با بهبود وضعیت مالی حزب، مجدداً رادیو انترناسیونال راه اندازی شود. لازم به توضیح است که تا زمان شروع برنامه های ما از ماهواره هات برد، ما به تولید برنامه های خود ادامه میدهم. علاقمندان میتوانند از طریق سایت کانال جدید، این برنامه ها را مشاهده کنند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ فوریه ۲۰۰۷، ۸ اسفند ۱۳۸۵

به اطلاع میرسانیم که حزب کمونیست کارگری بزودی پخش برنامه های تلویزیونی خود را از شبکه هات برد شروع خواهد کرد. برنامه حزب از شبکه تل استار از روز ۱۰ اسفند (۱ مارس) قطع میشود و امیدواریم در فاصله کوتاهی بعد از آن برنامه های هات برد کار خود را شروع کند. رادیو انترناسیونال نیز از روز ۱۰ اسفند متوقف میشود. علت این مساله هزینه های بالای اجاره ماهواره هات

گروگان گرفته و تهدید می کند، یکسره و تمام کند.

خبر عفو عمومی جنایتکاران جنگی در افغانستان

چندی پیش خبرگزاریها خبر از تظاهرات ۲۵ هزار نفره در کابل مخابر کردند که گویا خواهان عفو عمومی برای جنایتکاران جنگی بوده اند. مجلس لوئی جرگه لایحه ای مبنی بر عفو عمومی برای جنایتکاران جنگی و یا کسانی که در عرض یکی دو دهه اخیر به عنوان جنایتکاران جنگی شناخته شده اند، را به تصویب رسانده و آخرین مرحله آن امضا حامد کرزای می بود.

تمام خبرگزاریها به درست به ناامنی در افغانستان و خواست امنیت از طرف مردم اشاره می کنند. اما مسئله این است که خود این افرادی که خواهان عفو عمومی شده اند، خود جنایتکاران جنگی هستند و اکنون می خواهند با دستان بازتر به جان مردم بیافتند. مهمتر اما دولت افغانستان نه از سر انسان دوستی و یا اینکه از امنیت و آرامش شهروندان به این موضوع تن داده است، بلکه کاملاً از سر ضعف و ناتوانی در برابر این افراد و این وضعیتی که خود بانی اصلی اش بوده اند، به یک چنین موضوعی تن داده است. تا جایی که خبر داریم لوئی جرگه مجلسی است از جنایتکاران جنگی و یا فک و فامیل این افراد هستند. محل سران عشایر و فرماندهان دیروز طالبان و مجاهدین هستند که دیروز به نوعی زندگی مردم را تباه می کردند و امروز تحت نامی دیگر به این کار مشغولند.

افغانستان با این وضعیتی که برای مردم به بار آورده اند و با حکومت اسلامی که دستش در به خون کشیدن مردم آن جامعه باز است و هر روز از مردم قربانی می گیرد، روی امنیت به خود نخواهد دید. اولین قدم کوتاه کردن دست اسلام و حکومتهای ارتجاعی مدافع اسلام است که می تواند نوید امنیت را بدهد.*



ناصر اصغری

در حاشیه رویدادها

حماس و صلح در فلسطین

"تندروها زبانشان را کنترل کنند"

هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه هفته گذشته تهران آشکارا به احمدی نژاد و سیاستهای دولتش حمله کرد. وی با حمله به سیاستهای اقتصادی و برنامه غنی سازی و غیره دولت گفت: "تندروها زبانشان را کنترل کنند. اسلام در مقابل قلدراهای جهان در خطر است." جالب است که بدانید هاشمی رفسنجانی تا چندی پیش از ترس همین احمدی نژاد و دار و دسته اش جرأت حضور در هیچ مراسمی را نداشت. حتی موقع مسافرت به قم خبر از "آرامش" و "عدم تشنج" و غیره از سفرش می دادند و این سفر در مدار کاملاً بسته و "خودمانی" با گردن کلفت های حوزه علمیه قم برگزار می شد. اما با به دست گرفتن اکثریت مجلس خبرگان اکنون زبانش بر سر احمدی نژاد و طرفدارانش دراز شده است. احمدی نژاد هم گرچه ظاهراً رو به آمریکا و سازمان ملل گفت که "برنامه هسته ای شان قابل برگشت نیست." اما در واقع داشت رو به رفسنجانی حرف می زد و جواب تهدیدهایش را می داد.

این خبر بسیار مهمی است. جمهوری اسلامی از چند جهت دارد به شدت تضعیف می شود. اولاً؛ هیچ زمانی به این اندازه در سطح بین المللی منزوی نگردیده بود. دوماً؛ حتی در زمان برو و بیای دوم خردادی ها، هیچوقت زمامدارانش این چنین بر علیه همدیگر صف نکشیده بودند. و مهمتر اینکه مبارزات مردم بر علیه این رژیم اصلاً فروکش نکرده است. گرانی و بیکاری و بی افقی جامعه را در خود فرو برده است. مبارزه زنان و کارگران، دانشجویان و بیکاران هر روز حادتر می شود. این مبارزه باید سازمان بیابد و کار این رژیم را، که زندگی مردم را به شدت و بطور جدی

بار دیگر مسئله مذاکره صلح بین مقامات اسرائیلی و فلسطینی زمزمه می شود. از چند جهت مذاکرات این بار با مذاکرات گذشته فرق دارد. اول اینکه نارضایتی های عمومی در اسرائیل در سرمقاله روز ۷ فوریه روزنامه هارتز (Haaretz)، روزنامه صبح اسرائیل به وضوح منعکس شده بود. می گوید که اسرائیل دنبال بهانه است تا از مذاکره با فلسطین طفره برود؛ اما مجبور است که بپذیرد حماس با انتخابات آزاد به حکومت رسیده است و یک واقعیت است. از طرف دیگر نیز خالد مشعل یکی از رهبران اصلی حماس گفته است که "اسرائیل دیگر یک واقعیت انکارناپذیر است."

نه حماس می خواهد اسرائیل را بپذیرد و نه حکومت اسرائیل می خواهد حماس را به رسمیت بشناسد. این فشار افکار عمومی، بخصوص در اسرائیل و فلسطین است که دیگر "جنگ جنگ تا پیروزی" را از اینها قبول ندارد. شکست اسرائیل در جریان جنگ اسرائیل و حزب الله و همچنین اعتصاب قدرتمند کارمندان بخش دولتی در فلسطین که تره ای برای اسلام حماس خورد نکردند، قدری چشمهای این دو رژیم را باز کرد. خبر مذاکره صلح خبر خوشی به گوش فلسطینیان و اسرائیلی هاست. اما تا زمانی که هویت دولت فلسطین اسلامی است و بخش اعظم آن اسرائیل را انکار کند، این گوشه از جهان صلحی را به خود نخواهد دید. در عین حال هم اگر دولت اسرائیل دست اقلیت بسیار کوچک مذهبی باشد که حق و حقوقی را برای بخشی از مردم اسرائیل تحت عنوان اعراب به رسمیت نشناسد، باز شهروندان غیرنظامی و بی گناه قربانیان بمبهای انتحاری خواهند بود.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

